



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol.3, No.2, Autumn 2024



Philosophy and Functions of History from the Perspective of Islamic and Western Philosophers

Esmail Salehian Rad^{*1}, Shokrollah Khakrand², Soheila Payan³

1 -PhD student, Department of History, International Unit, Shiraz University, Iran

2 -Associate Professor, Department of History, Shiraz University, Iran

3 -Assistant Professor, Department of General Studies, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
09/08/2024
Accepted:
15/10/2024

ABSTRACT

There has been extensive debate and research on the functions of history, leading to the development of major historical schools of thought. The functions of history, as viewed by both Islamic and Western historians, is a significant and practical subject of study, which has attracted attention in both past centuries and contemporary times. In this research, we present the views of Islamic and Western historians on the functions of history. The findings are as follows: Islamic historians, drawing upon the Quran, Islamic law, and the overarching spirit of Islam, as well as the experiences of nations and anthropology, have defined the functions of history. In contrast, Western historians have approached the functions of history through rational experience, human experience, and anthropology. The aim of this study is to explain the functions of history for humanity from the perspectives of Islamic and Western historians, and to compare their viewpoints.

***Keywords:** History; Iran; Philosophy, Islam; Philosophers; West,*

***Corresponding Author: Esmail Salehian Rad**

Address: PhD student, Department of History, International Unit, Shiraz University, Iran

E-mail: Esmail.Salehian.rad@Gmail.com



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی

کاوش های عقلی



فلسفه و کارکردهای تاریخ از دیدگاه فلاسفه اسلامی و غربی

اسماعیل صالحیان راد*^۱، شکرالله خاکرند^۲، سهیلا پایان^۳

۱- دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و احد بین الملل دانشگاه شیراز، ایران

۲- دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، ایران

۳- استادیار گروه دروس عمومی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	درباره کارکردهای تاریخ بحث های زیادی صورت گرفته و تحقیقاتی به عمل آمده و حتی مکاتب بزرگ تاریخی شکل گرفته است. کارکردهای تاریخ از دیدگاه مورخین اسلامی و غربی یکی از مسائل کاربردی و با اهمیت مورد مطالعه محققین تاریخ است، که هم در قرون گذشته و هم در دوران معاصر به آن توجه شده است. در این پژوهش نظرات مورخین اسلامی و غربی در مورد کارکردهای تاریخ را آورده ایم نتایج به دست آمده به قرار زیر است: مورخین اسلامی با توجه به قرآن و شرع اسلام و روح حاکم بر آن و شواهد و تجارب ملت ها و مردم شناسی کارکردهای تاریخ را تعریف نموده اند؛ اما مورخین غربی بر اساس تجربه عقلی، تجربه بشری و مردم شناسی به کارکردهای تاریخ پرداخته اند هدف این پژوهش تبیین کارکردهای تاریخ برای بشریت از دیدگاه مورخین اسلامی و غربی و مقایسه میان دیدگاههای آنان می باشد.
دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴	کلیدواژه: فلسفه، تاریخ، فلاسفه، اسلام، غرب، ایران

*-نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Esmail.Salehian.rad@Gmail.com

تاریخ برای ما خاطره است که نه تنها آن را به یاد داریم و می‌شناسیم بلکه سرچشمه زندگی ما است. پایه‌ای است که بر آن قرار داریم؛ زیرا اگر بخواهیم در خلاء محو نشویم بلکه از انسان بودن استفاده کنیم، ناچاریم پیوند خود را با تاریخ نگه داریم. شناسایی تاریخ فضایی را برای ما به وجود می‌آورد که آگاهی ما بر انسان بودن نمایان می‌شود باید دانست که با دگرگون شدن تاریخ آگاهی ما دگرگون می‌شود. ؟ با وجود آنکه پرداختن به علم و فلسفه تاریخ پدیده‌ای بیگانه در اندیشه‌های اسلامی ایرانی نیست و مسلمانان آن را از دیگران اقتباس نکرده‌اند بلکه پیشرفتی که در این زمینه در غرب صورت گرفته و امدار نخستین کوشش‌های مورخین مسلمان بوده است اما امروزه شاهد انیم که پرداختن به حوزه‌های این علم در میان مسلمانان کم رنگ شده و مورخین غربی بر اساس نیازهای زمانی خود تعریفی‌های متفاوتی از تاریخ ارائه و مکتب‌های گوناگونی را شکل داده‌اند به دین سان در این پژوهش سعی بر آن داریم به چالش‌های اندیشه‌های مورخین مسلمان و غربی در این رابطه بپردازیم. این پژوهش از سه قسم تشکیل شده است در ابتدا به ترتیب به بررسی تاریخ در نگاه مورخین اسلامی و غربی پرداخته‌ایم و در نهایت چالش‌های آنها در این حوزه را بیان می‌داریم، این مقایسه در چند بخش تعریف، هدف، روش و کارکرد صورت گرفته است، در این مقایسه برتری تاریخ اسلام و مورخین اسلامی مشخص شده است در مورد پیشینه این پژوهش می‌توان گفت که در کل از قرن هجدهم میلادی به بعد، بحث در این زمینه شروع و طرح‌هایی داده شده است و شخصیت‌هایی مانند (هگل، توبین بی، ای‌اچ کار، شارتیبه) و دیگران در این رابطه آثاری منتشر نموده‌اند در ایران نیز آثاری مانند مجموعه مقالات یعقوب آژند، تاریخ در ترازوی زرین کوب... در این مورد انتشار یافته است هر چند کارهای قاطع و محکمی در این باره صورت نگرفته است. روش اصلی این پژوهش براساس اسناد و کتابخانه‌ای می‌باشد که با تکیه بر منابع فارسی و ترجمه شده خارجی به کار رفته است.

تاریخ در نگاه مورخان اسلامی

هیچ کس انکار نمی‌کند که اسلام نخستین جنبشی بود که «تفکر تاریخی» را در جهان مشخص ساخت و جنبه شمول‌گرا به آن بخشید و انسان را محور آن قرار داد به تبع آن مسلمانان اولین کسانی بودند که بلندترین گامها را در راه فرهنگ انسانی برداشته‌اند و جامعیت و فراگیری را معیاری برای پیشرفت فرهنگ بشریت دانستند. در دنیای اسلام مورخین بر اساس آموزه‌های دینی و نصوص قرآنی

بیشتر تاریخ را درس زندگی و عبرت‌پذیری می‌دانند که میراث تمدن‌های گذشته را برای نسل‌های آینده حفظ کرده است. این دیدگاه آنان نیز بیشتر برخاسته از قرآن و زندگی پیامبر (ص) بوده است قرآن بهترین منبعی است که اهمیت و چیستی تاریخ را بیان می‌کند و حوادث گذشتگان را ذکر می‌نماید تا برای انسان درس و عبرت باشد و این که بداند گذشتگان چگونه زندگی کرده‌اند و چه بر سر آنها آمده است (آزند، ۱۳۶۱: ۴۸). قرآن معنی و کارکردهای تاریخ را به خوبی بیان می‌کند و با نقل کردن از حوادث تاریخ خود را به عنوان یک کتاب تاریخ نمایان می‌سازد در قرآن کریم تاریخ زندگی انبیاء الهی (ع) بصورت واضح نقل شده است. *وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا*. (وای رسول یاد کن در کتاب (خود شرح حال) ابراهیم را که او شخص بسیار راستگو و پیغمبری بزرگ بود (مریم آیه ۴۱)، قرآن کریم کتابی است که ما را دعوت به عبرت‌آموزی در زندگی گذشتگان و سیر مطالعه تاریخ می‌نماید، خداوند متعال در قرآن زندگی فردی و شرح حال اقدامات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی انبیاء الهی را آورده است در آیه مذکور شرح شخصیت فردی حضرت ابراهیم (ع) آمده است (عمادزاده، ۱۳۷۳: ۲۷۳) در منابع مورخین اسلامی برای یادآوری حوادث تاریخ انبیاء الهی (ع) از آیات قرآن استفاده شده است و *داوود و سلیمانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحَكْمِهِمْ شَاهِدِينَ*. فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ. و یاد کن ای رسول احوال داود و سلیمان را وقتی که درباره گوسفندان بی‌شبان‌ی که مزرعه‌ای را تباہ کردند قضاوت نمودند و ما بر حکم آنان گواه بودیم و ما آن (قضاوت) را به سلیمان به وحی آموختیم (انبیاء آیات ۷۸ و ۷۹) این آیات قرآن کریم که در کتاب تاریخ طبری آمده است در مورد زندگی انبیاء الهی (ع) داود (ع) و سلیمان (ع) و قضاوت ایشان در میان مردم زمان خویش است، که نشان از اهمیت آیات قرآن و آموزه‌های دینی در نقل روایات تاریخی نزد مورخین اسلامی می‌باشد که نشان می‌دهد علم تاریخ و کارکردهای آن نزد مورخین اسلامی ریشه الهی و دینی و متصل به وحی دارد. (طبری، ۱۳۸۵: ۲، ۴۰۲). همچنین مورخین اسلامی برای یادآوری دوران بعثت و سیره پیامبر (ص) در مکه از آیات قرآن استفاده نموده‌اند. *وَالضُّحَى. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى*. قسم به روز روشن یا هنگام ظهر آن و قسم به هنگام آرامش آن که خدای تو هیچگاه تو را ترک نگفته و بر تو خشن ننموده است (الضحی آیات ۱ تا ۳) این آیات از قرآن که در مورد سال‌های اول بعثت رسول الله (ص) و در کتاب تاریخ طبری آمده که نشان از توجه مورخین اسلامی به آموزه‌های وحی و استفاده از آیات قرآن برای نقل و تبیین حوادث تاریخ اسلام می‌باشد (طبری، ۱۳۸۵: ۳، ۸۴۸) هم در

منابع مورخین اسلامی از آیات قرآن برای شرح سیره و جنگ‌های پیامبر(ص) در مدینه استفاده شده است. (مورخین صدر اسلام برای اینکه رفتار پیامبر (ص) را الگویی مسلمانان قرار دهند شروع به تألیفاتی در زمینه شخصیت ایشان نمودند و بعدها مورخین جنگ‌ها و فتوحات پیامبر (ص) را به رشته تحریر در آورنده و بدین ترتیب دایره علم تاریخ را گسترش دادند. إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ. آری هنگامی را که استغاثه و زاری به پروردگار خود می کردید پس دعای شما را اجابت کرد و (وعده داد) که من سپاهی منظم از هزار فرشته به مدد شما می فرستم (انفال آیه ۹) محمدبن جریر طبری این آیه را در شرح جنگ بدر آورده است که خود ناشی از اهمیت قرآن و توجه دین اسلام به علم تاریخ و حوادث آن و همچنین کاربرد آیات قرآن نزد مورخین اسلامی مانند طبری در نگارش تاریخ می باشد. (طبری، ۱۳۸۵: ۳، ۹۶۷) علی بن حسین مسعودی (۲۸۰-۳۴۵ هجری) مورخان برجسته اسلامی است او در کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر در مورد فلسفه تاریخ می گوید « این کتاب را در تاریخ انسان و جهان و حوادث گذشتگان و از شاهان نوشته شده است» (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱، ۳) این عوامل باعث شد مؤلف این کتاب را تألیف کند برای یاد گرفتن رفتاری که عالمان و حکیمان کرده اند و داشته اند. این کتاب تدوین شده تا از جهان یادگاری پسندیده فراهم آید و دانش منظم گذشتگان به وسیله این کتاب به مردم آینده برسد. (مسعودی ۱۳۶۵، ج ۱: ۴) بدین ترتیب مسعودی مثل بقیه مورخان اسلامی تاریخ را برای حفظ میراث علمی و مادی گذشتگان می داند که به وسیله آن نسل‌های بعد جامعه را بهتر بسازند، یک نوع پندآموزی برای آیندگان باشد. مسعودی به چندین سفر رفته و در سفرهایش به دنبال آگاهی از اوضاع زمان است او تاریخ را تسلی روح بی قرار خود می داند. وی می گوید: « تاریخ گویی شط عظیم رویدادها تمامی جدال‌ها و جدل‌های جزئی را فرو می شوید و در پرتو کلیت زندگی انسان‌ها در سیر قرون با هزاران هزار فراز و نشیب اختلافات آراء روزمره رنگ می بازد» (مسعودی ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۱) و بدین ترتیب اهمیت تاریخ را درک کرده و حاضر شد و مشکلات زیادی را بپذیرد ولی به تاریخ که باعث آرام شدن روحش است برسد. مطهر بن طاهر مقدسی مورخ اسلامی اوایل قرن چهارم هجری اهل خراسان بوده است (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۹) مقدسی کارکرد تاریخ را در خرد گرایی و دفاع از اندیشه اسلامی و دینی باخرد گرایی تاریخی می داند و مخالف تاریخ‌روایی و نقلی محض است و تاریخ را براساس عقل بررسی می کند و وظیفه تاریخ را توافق میان عقل و قرآن و معجزات انبیاء(ع) می داند (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۱ و ۵۲)

مقدسی تاریخ را با تعقل و نه آزاد اندیشی مطلق بلکه در دایره پذیرفتن شریعت تا جایی که مجال داشته باشد می‌داند، منکر عقل نیست. و کارکرد تاریخ را مشاهدات واقعی غیر مستقیم براساس عقل می‌داند (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۴). مسکویه رازی (۳۲۰-۴۲۱ هجری) یکی از مهمترین و معروف ترین مورخین معتبر اسلامی است که برای اولین بار فلسفه تاریخ را مورد بررسی قرار داده است از مهمترین آثار او در زمینه تاریخ کتاب تجارب الامم است وی می‌گوید تاریخ باعث افزایش تجارب گذشته می‌شود (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۱۲) و تاریخ را یک نوع تجربه می‌داند که می‌تواند پند های آموزنده ای را به انسان یاد دهد. او شرط به دست آوردن این تجارب را خواندن حوادث نمی‌داند بلکه در تعمق و تفکر در علل وقوع آنها می‌داند. به همین دلیل نام کتاب خود را تجارب الامم گذاشت. مسکویه در وصیت خود به دیگران اهمیت و چیستی تاریخ را بیان کرده است. او می‌گوید « نصیحت می‌کنیم شما را به پند و اندرز گرفتن از گذشتگان و اندرز های فلاسفه و دانشمندان اخیر و پویندگان راه علم که از مسلمانان هستند و به حکمت شهره اند و حکمت های گذشتگان را با حکمت های تازه آمیخته اند و به آیندگان وصایای گرانبها داده اند و من این باب را به آنها اختصاص داده ام تا کتاب را با این حکمت ها پایان برم» (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۱۶) مسکویه می‌گوید « زمانی که تاریخ از اسطوره مستقل گردید و بعد از تحقیق در کتب و روایات کسانی را که علمی بودند انتخاب کردم» مسکویه به دلیل آشنایی با فلسفه تاریخی سعی نمود علل طبیعی علمی حوادث را بیان کند.

ابوالفضل محمد بن حسن بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ هجری) از برجسته ترین و معروف ترین مورخان تاریخ جهان اسلام به شمار می‌آید. به اعتقاد بیهقی تاریخ یک علم زنده و پویا و حساس است برای تمامی آیندگان. چرا که حوادث گذشته و حال را در بطن خود به صورت زنده بیان می‌کند. وی اشاره می‌کند. این علم زنده برای پند آموزی و عبرت گیری از حوادث و خاطرات و همه آنچه در تاریخ گذشته رخ می‌داده است می‌باشد. بیهقی برای نشان دادن این موضوع در کتابش به ذکر حکایاتی از حکیمان و بزرگان پرداخته تا مایه عبرت آیندگان شود. وی تاریخ را علمی می‌داند که سایر علوم را نیز در خود جای داده است. مثل جغرافیا که خود در رابطه با این علم مطالبی ذکر کرده است. بیهقی می‌گوید « کتاب خود را به تمام افراد می‌دهم تا گرد و غبار را از زوایای مردم گذشته بردارد تا هیچ یک از احوال پوشیده نماند» (بیهقی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۷). بیهقی در مورد کتاب تاریخی خویش اغراق نموده است وی می‌گوید بر تمامی حوادث و احوالات مردمان در زمان گذشته آگاه است و در کتاب من موجود می‌باشد و کسی که

کتاب من را بخواند حوادث گذشته برای او روشن می شود که این خود با نسبی بودن تاریخ و بررسی نقادانه آن در تضاد می باشد زیرا کلیه حوادث تاریخی مقرون به صحت نیست و یا بعضی حوادث تاریخی که صحیح می باشند کاملاً صحیح نیستند و در طول زمان تغییراتی در آنان ایجاد شده است پس چگونه کتاب تاریخی بیهقی بدون نقص است و هرکس آن را بخواند بر تمامی حوادث مردمان در گذشته آگاه می شود. فخر الدین بناکتی در بین سال های ۶۸۲-۷۳۵ هجری زندگی می نمود وی در کتاب تاریخ خود در مورد تاریخ می گوید «در علم تواریخ، و اسناد، کتابی بسازم و شطری از اقوال و احوال و حکایات انسان ها که در کتاب ها دیده و از هر مورخی شنیده ام و در آن تخصیص بلیغ نموده ام و بیان کرده ام» (بناکتی، ۱۳۸۴: ۳) بدین شکل او نیز مثل سایر مورخین اسلامی تاریخ را علم پند و اندرز می داند که باعث حفظ میراث گذشتگان نیز می شود. ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ هجری) از بزرگترین مورخان جهان و دنیای اسلام است که به بحث های کلیدی در رابطه با تاریخ پرداخته است و اولین کسی است که به نقش اطلاعات وهمی اشاره کرده است اما نسبت به اسلافش در روشن ساختن این که به چه دلیلی بسیاری از روایت ها قابل اعتماد نیستند گام را فراتر گذاشته است. از دیدگاه ابن خلدون هویت تاریخ درک باطنی رویدادهایی است که مستلزم تعمق و تلاش برای دسترسی و پیدا کردن به حقیقت و توضیح دقیق ملت ها مبادی اوضاع و احوال فعلی و شناخت عمق چگونگی و چرایی رویداد ها است از این رو تاریخ به صورت جدی در فلسفه ریشه دارد (ابن خلدون، ۱۳۵۷، الف: ۲۶۸) ابن خلدون برای تاریخ علم سه ویژگی برشمرده است: ۱- موضوع خاص خود و جامعه انسانی ۲- مسائل خاص خود آن چیزهایی که از رویداد های تاریخی ناشی می شود ۳- غایت خود را برای یافتن معانی باطنی رویداد ها دارد. او آثار تاریخ نویسانی را که به صورت تقلیدی است ملال آور می داند. او اشاره می کند. آثاری که به اوضاع و احوال گذشتگان و دستاورد ها و نژاد ها توجه دارند. خشک است زیرا مشخص نیست چه چیز آن درست است و کدام غلط: چون در کارشان کورکورانه تقلید کرده اند. ابن خلدون در مقدمه کتابش در پاسخ به تاریخ چیست مطالب زیر را آورده است «من یک روش استثنائی و بدیع را برگزیده ام در این عصر در مورد تمدن شهر ها و مختصات اساس سازمانندی انسان های اجتماعی به اظهار نظر پرداختم از لحاظی که به خواننده توضیح دهم که چگونه و چرا هماهنگند، که هستند. به این دلیل او از هر گونه انتقاد بی خردانه در مورد سنت از خویشانش سلب مسئولیت خواهد کرد» (ابن خلدون، ۱۳۵۴، ب: ۹) تاریخ چیزی است که به اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی، مادی، اجتماعی که شکل يك جامعه را مي سازد توجه مي كند. بدین صورت تاریخ از شاخه لفاظی بیرون می آید و در فلسفه ریشه دار می شود و به صورت يك علم در می آید (ابن خلدون، ۱۳۵۷، الف: ۱۶) ابن خلدون نه تنها مسائل سیاسی بلکه سایر حوزه های زندگی بشر را توضیح و بررسی می کند و آن ها را جزء تاریخ می داند. عبدالحسین زرین کوب مورخ ایرانی دارای آثار گرانبهای تاریخی زیادی است که هم مربوط به تاریخ ایران قبل از اسلام و هم دوران اسلامی می باشد. وی از مورخینی است که در مورد فلسفه تاریخ مطالبی را ذکر کرده است، زرین کوب تاریخ را در گذشته يك قوم و يك فرد برای قوم دیگر و فرد دیگر می داند، (زرین کوب، ۱۳۵۴: ۱۸) به اعتقاد وی تاریخ علمی است که تجربه گذشته را به تجربه کنونی افراد می افزاید. و زندگی انسان ها را پر مایه تر می کند. او اشاره می نماید پیروی از زندگی گذشتگان و عبرت گیری از آنها اخذ تصمیم را برای انسان هموارتر می کند. و انسان از طریق تاریخ به شخص واحد تبدیل می شود که دائم مشغول فرا گرفتن است و در حقیقت فقط کسانی که از گذشته خود خبر ندارند، تاریخ ندارند. از نظر او تاریخ علمی است که انسان را از بیشتر فریب ها، حقارت ها، دل خوشی های بی حاصل حفظ می کند، و تاریخ مایه تعمق می شود که در ورای حوادث آنجایی که چشم چیزی را نمی بیند نفوذ می کند و زندگی محدود و کوتاه خود را از طریق تاریخ با زندگی گذشتگان با زندگی دراز انسانیت پیوند دهد و آن را عمیقتر و پرمعنا تر کند (زرین کوب، ۱۳۵۴: ۱۸) تاریخ علمی است که اشتباه های بزرگ گذشته را با تذکر جنایت ها و بدبختی های گذشتگان بیان می کند. و انسانیت را از تکرار آنها و لاقلا از این که با عمد و اختیار خویش به نظایر آنها دچار شوند باز می دارد. (زرین کوب، ۱۳۵۴: ۱۸ و ۱۹) در نتیجه منابع مورد استفاده مورخین اسلامی قرآن کریم، زندگی پیامبر (ص)، حوادث گذشتگان و تجارب ملتها بوده است که جهت عبرت آموزی و آگاهی از اوضاع و احوال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گذشته که یک جامعه را می سازد می باشد. مورخین اسلامی در نقل تاریخ به آیات قرآن استناد می کردند که این موجب اعتبار و استحکام روایات تاریخی می شود. آنان تاریخ را جهت عبرت آموزی و هویت یابی نسل آینده نگارش نموده اند و به تاریخ بیشتر نگاه فرهنگی و معنوی دارند.

تاریخ در نگاه مورخین غربی

مورخین غربی از عصر روشنفکری به بعد به تاریخ به دیده علمی نگاه کردند و آنرا به صورت يك علم ثابت در آورند. از این دوران بود که مکتب های متنوعی به وجود آمد و شخصیت های بزرگی به بررسی علم تاریخ

و کار کرد های آن پرداختند هر دوت^۱ بین سال های (۴۲۶-۴۸۴ ق م) می زیست. او در مقدمه کتابش تاریخ را این گونه تعریف کرده است. «تاریخ به منظور ثبت حوادث اساسی و علل بروز رویداد های نوظهور مبادرت می ورزد که شرحی است بی دلیل در دنیای باستان» (یاسپرس، ۱۳۶۳: ۲۴۵) هر دوت می گوید: «من تاریخ خود را با نقل روایاتی از شهرهای کوچک که از شهر های بزرگ کم اهمیت تر نیستند، شروع می کنم، زیرا بیشتر آن ها روز گاری بزرگ بودند، هم اکنون جزء شهرهای کوچک به شمار می آیند. آن هایی که روزگاری کوچک بودند، در روزگار خود من بزرگ محسوب می شوند. از این رو با پی بردن به این نکته دوران سعادت بشری دیر زمانی در یک مکان نمی یابد. من به هر دو نوع شهر های بزرگ و کوچک یکسان نگاه خواهم کرد» (یاسپرس، ۱۳۶۳: ۲۴۷) او اشاره می کند تاریخ را به منظور حفظ گذشته و ثبت رویداد های شگفت انگیز مربوط به خودمان یا مربوط به اقوام دیگر به رشته تحریر درآورده است. که نشان دهد این اقوام چگونه با یکدیگر به جنگ پرداخته اند. پس می بینم از دیدگاه هر دوت تاریخ علمی است برای آشنایی با رویداد ها و حوادث گذشته و زمان خود او میراثی برای نسل های آینده است، تا با گذشته آشنا شوند. هر دوت به جغرافیای تاریخی و قوم شناسی مردم نیز توجه کرده و سعی کرد، آنها را بیان کند، همچنین او در مورد برخی ویژگی های مردم و شهر ها صحبت کرده است هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱ م) در پی تایید مسائل تاریخی سعی کرد فلسفه را مورد استفاده قرار دهد تا جایی که او گفته، موضوع فلسفه تاریخ عبارت است از آگاهی از آنچه انسان ها در طی اعصار در پیوند با تفکر باور داشته اند. برخی هگل را به خاطر این که اسناد تاریخی با دیدگاه های فلسفی اش تطابق کند، دست کاری کرده سرزنش می کنند و برخی هم او را به خاطر مطرح کردن یک بعد تاریخی در فلسفه ستوده اند. هگل در مقدمه تاریخ فلسفه سه مرحله را برای پژوهش تاریخی بر مقولات تاریخ برشمرده است مرحله ابتدایی انتقادی به فلسفه که ممکن است مثل سلسه مراتبی از صورت ها باشد. که هر کدام از این صورت ها در سلسه مراتب مفهوم تاریخ را بیان می کند. در هر صورت نتیجه نهایی مفهوم تاریخ در یک مرحله خاص است، به عبارتی هر صورتی سعی می کند، بهترین مفهوم را از تاریخ بیان کند، تاریخ نویس وقتی فهمید این صورت ارزش ندارد، مرحله بعد و جدید را امتحان می کند. تاریخ در مرحله ابتدایی: بعضی تاریخ نویسان به ظاهر رویدادهای و اتفاقاتی که در زمان گذشته رخ داده می پردازند و خودشان را در آن سهیم می بینند. (براین اساس در تاریخ ابتدایی رویدادهای معاصر با نزدیک به آن نوشته می شود. مانند آثار هر دوت و توسیدید^۲) هگل دیگر تاریخ ابتدایی را قبول ندارد زیرا تاریخ

نویسان فهمیدند که دیدگاه‌های خودشان و کسانی که در موردشان تحقیق می‌کنند با هم فرق دارند. به همین خاطر جای خود را به تاریخ انتقادی داده است که در آن به بررسی یک جهان با یک کشور می‌پردازند. هگل در پاسخ به این سوال که آیا تاریخ نویسان در حال تسخیر روح اعصارند یا در حال استفاده از اطلاعات تاریخی برای تبیین نظر یا نشان. درباره تاریخ می‌گوید «تاریخ نویسان جهانی سر و کارشان به نوشتن کتاب تاریخی است، که واقع‌گرایانه و انتقادی یا ناپیوسته است» (هگل، ۱۳۶۰: ۲۱۴) در ادامه افزوده: مورخان انتقادی تحقیقاتشان را به ابداعات که در شکل‌گیری آثار مکتوب مؤثر بودند مختصر می‌کنند، تاریخ نویسان ناپیوسته به این ایده ما علاقمند هستند اما قصد دارند پا را از حد مختصات عرفی یک ملت «رابطه ظاهر» به سوی «روح باطن» بگذارند. از رویدادها و حوادث فراتر روند. به بیان دیگر آنان می‌کوشند هویت آنچه را راهبر تاریخ یک ملت را شناسایی کنند. او کتاب‌های تاریخی، هنر، دینی و قانون را سر نخ‌های این راهبر می‌داند، در این میان فلسفه می‌تواند با آگاهی از روش‌های خودش و روش‌های هنری و دقیق و قانونی نیروهای راهبر قاطع تاریخ را کشف کند. «(هگل، ۱۳۶۰: ۲۱۵ و ۲۱۶). مارك بلوك^۱ (۱۸۸۶-۱۹۹۴م) معتقد بود همان طوری که شیمی و زیست‌شناسی نیازمند تجربه اند تاریخ نیازمند توصیف و روایت است وی می‌گوید «تاریخ دانش انسان‌ها درباره گذشته و روزگار است» (وارینگتن، ۱۳۸۶: ۳۵) تاریخ با باریک بینی به مطالعه گذشته می‌پردازد، تا واقعیت‌هایی که اتفاق افتاده را کشف کند و انسان را به شناسایی هویت کمک کند، تاریخ فقط ارضاع کردن قدرت تخیل نیست. به شخص امکان می‌دهد به شناخت سرگذشت انسان‌ها نایل آید. برای رسیدن به این شناخت لازم است با مورد توجه قرار دادن و یافتن سند برای تعقیب ردپاهای میان متنوعی از اسناد و بررسی دقیق و کند و کار سند، تفسیر سند در پرتو فراخوانی کلام و متن آن، احتراز از داوری کردن در مورد رویدادهای گذشته بر حسب معیارهای اخلاقی شخصی و تخصصی برای واژگانی که نکات عمده دقیق را شرح می‌دهد اما در عین حال لزوم انعطاف‌پذیری را برای تطبیق خود با کشفیات دیگر حفظ کند. بلوک می‌گوید: «عمده وظیفه تاریخ و مورخ شناخت گذشته است چون برخلاف دانشمندان در معرض سستی و توالی حافظه انسان قرار دارند». دلبیو. اچ والش^۲ نظریات خود را در رابطه با فلسفه تاریخ در کتابی تحت عنوان مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ بیان کرده است خود والش اشاره کرده این کتاب را برای فلیسوفان نوشته است والش از نظرنویسندگان و متفکران انگلیسی فلسفه تاریخ را این چنین تعریف نموده است «تلاش فلاسفه طبیعت برای اینکه در زمینه تاریخ همان کاری را

انجام دهند که در زمینه مورد عمل خود یعنی طبیعت انجام می‌دادند» (وارینگتن، ۱۳۸۶: ۱۶ و ۱۵) والش بر این اعتقاد فیلسوفان انگلیسی انتقادهایی کرده به نظر او متداولترین نظری که درباره تاریخ وجود دارد و آن را در زمره رشته‌های مربوط به دانش نظری قرار می‌دهد این است که به موجب آن مورخ باید درباره گذشته حقایق را منفرداً و جدا از یکدیگر درباره زمان حال کشف نماید، و همان طوری که حقایق و اطلاعات و ادراک و مصالحی است که علمای طبیعی با آن کار خود را انجام می‌دهند. این گونه استدلال می‌شود که حقایق که در اختیار مورخ است ابزار کار و مصالح لازم را در اختیار عالم اجتماعی که کارش کمک به شفاف‌سازی حوزه انسانی است می‌گذارد. (الش، ۱۳۶۶: ۱۸ و ۱۹) به نظر والش چشمگیرترین ویژگی تاریخ آن است که حقایق را که می‌خواهد توصیف کند حقایق گذشته است و حقایق گذشته را هم نمی‌توان مستقیماً مورد داوری و مشاهده قرارداد. او تاریخ را گذشته نوع بشر می‌داند. ای. اچ. کار (۱۸۹۲-۱۹۸۲ م) اعتقاد دارد «تاریخ یک تألیف عینی از واقعیت است» (کار، ۱۳۶۲: ۸۴). این دیدگاه کار که تاریخ یک تألیف عینی از واقعیت است قابل نقد می‌باشد زیرا ممکن است مورخ خود شاهد عینی واقعیت‌های تاریخی که خود تألیف و نگارش نموده است نباشد زیرا در مواردی مورخ تاریخ را براساس شواهد و اسناد روایی گذشتگان و یا نقل قول شفاهی دیگران تألیف می‌نماید. از دیدگاه کار واقعیت‌ها مثل مفهوم نظریه نیستند و به نفع خودشان شهادت نمی‌دهند، بلکه یکسره مخلوق تاریخند و می‌گویند: «این واقعیت‌ها مجزا از تاریخ نویسی هستند اما موقعی به صورت تاریخ در می‌آید که از راه‌گزینیه پردازی و تفسیر دقیقاً از لحاظ تاریخ مورد داوری قرار گیرند. این واقعیت‌ها زمانی که مورخ آنها را فراخوانند سخن می‌گویند و مورخ است که به هر واقعیت اجازه حرف زدن می‌دهد» به اعتقاد او تاریخ نویسان از روی علاقه و تجربه واقعیت‌ها را انتخاب می‌کنند و تفسیر می‌نمایند. در صورتی که ممکن است همین واقعیت‌ها دیدگاه‌های مورخ را تغییر دهد. بر این اساس تاریخ نویسان درگیر یک گفت و شنود بی‌پایان میان گذشته و حالند که این گفت و شنود به اندازه همان واقعیت‌هایی که مورخین درباره آنها حرف می‌زنند مهم هستند این چنین است که کار برای تاریخ چیز جدایی از واقعیت را نمی‌پذیرد. کار با وجود اینکه نمی‌داند جامعه دنبال چه اهدافی است اما به کمک همین اهداف موضوع تاریخ چیست. را بهتر بیان می‌کند او می‌گوید «ما و جامعه ما در حال حرکت کردن به سمت اهدافی هستیم که فقط در موقعیتی که هستیم، به سویشان می‌رویم. این اهداف می‌توانند، تعریف شوند و درستی و اعتباری را که طی روندی که برای رسیدن به آن هدف

هاست می تواند به اثبات برساند. پس تاریخ يك گفت و شنود میان گذشته و حال نیست بلکه میان گذشته و حال و پدیدار شدن هدفهاست» (کار، ۱۳۶۲: ۶۰) به این صورت می بینیم که کار تاریخ را هدف می داند و با این نوع برداشت او نقش تاریخ را در ارائه برنامه ای برای آینده در نظر گرفته که به کمک تاریخ می توان هدف را در آینده مشخص کرد. به اعتقاد کار تاریخ عاملي است که می تواند در پیشرفت تدریجی استعداد های افراد يك جامعه نقش داشته باشد و در مقاله ای که در یکی از دانشگاه ها منتشر کرده بود تاریخ را عامل پیشرفت تدریجی استعداد افراد دانسته. کار تاحدی به جبرگرایی تاریخی اعتقاد دارد. کار اعتقاد دارد کسانی که به تصادف در تاریخ اعتقاد دارند به این خاطر که مقصود نوشتن تاریخ را نمی دانند یا به این خاطر که عضو گروهی از این جامعه هستند که در حضيض تاریخ سیر می کنند نه در اوج آن. پس می بینیم که او تاریخ را همان واقعیت می داند، تا جایی که گفته تاریخ نویسان باید دنبال علت منطقی حوادث باشند. علتی که تعمیم پذیر باشد و باید به مکان و زمان توجه کنند. کار قضاوت های شخصی اختلاف بر انگیزی در باره تاریخ دارد او اعتقاد دارد ملاک های محکم و منطقی که بتوان براساس آنها اعمال افراد را داوری کرد وجود ندارد.

فرناند برودولا^۱ اعتقاد دارد تاریخ انسان در ارتباط با محیط تاریخی است که در آن هر گونه تغییر آهسته و کند انجام می گیرد تاریخ وقایع پهنه آشوب ها و خیزش های خشم است که جرز و مد تاریخ را بر دوش های توانمندان حمل می کند. همانطوری که یاسپرس^۲ گفته: « تاریخ در هر مورد گذشته ای است که برای آدمیان روشناست. مکان و فضای دست یافتن به گذشته است و آگاهی بر مبدأو اصل نیاز است» (وارینگتن، ۱۳۸۶: ۴۰) میرچا الیاده^۳ می گوید «در تاریخ بیشتر با مشاهده غیر مستقیم به مطالعه پدیده ها پرداخته می شود، گذشته بشر (تاریخ) بسیار طولانی است و انسانی می تواند تنها بیننده مقدری اندک از گذشته باشد مطالعه تاریخ با کمک ابزار ها و روش ها به ویژه و با استفاده از اخبار و آثار صورت می گیرد و چون این کار با کمک عقل انجام می پذیرد به آن تجربه عقلی می گویند (الیاده، ۱۳۵۶: ۳۸)

وي 1- Frnando beradula 2- Yasperes 3- Mircha.elyade
ی و جامع
برع^ه انسانی

به معنای از دست دادن بسیاری از دانش ها و اطلاعات بشر است به دست آوردن افتخارات انسانی و تجربیات فرهنگی و تمدنی او، فقط با حفظ و استمرار میراث گذشتگان ممکن است انسان می تواند با حفظ گذشته ها و جمع بندی آنها به تجربیات جدیدی دست یابد و به شکل تعلیم و تربیت و اختراع

اکتشاف عرضه نماید(الیاده، ۱۳۵۶: ۸۵و۸۶). در نتیجه منابع مورد استفاده مورخین غربی عقل بشری، تجربه بشری و مردم شناسی می باشد که برای اکتشافات و اختراعات علمی و صنعتی و حفظ و بررسی دستاوردهای تمدن بشری کاربرد دارد، مورخین غربی تاریخ را بیشتر براساس اوضاع سیاسی حاکم دوران خویش نگارش نموده اند و به تاریخ بیشتر نگاه مادی دارند.

مقایسه تاریخ در نگاه فلاسفه اسلامی و غربی

مورخین اسلامی تاریخ را براساس موازین دین اسلام و آموزه های قرآن کریم و همچنین مردم شناسی و تجارب ملت ها تعریف نموده اند در صورتی که مورخین غربی تاریخ را مبنای تجربه بشری و مردم شناسی و عقل تجربی بدون در نظر گرفتن دین و آموزه های آن تعریف نموده اند که این خود موجب صحت مطالب مورخین اسلامی نسبت به مورخین غربی شده است زیرا از منابع دین و کتاب آسمانی قرآن در نقل تاریخ استفاده کرده اند که موجب استحکام روایات و اسناد تاریخی شده است. اهداف مورخین اسلامی از نقل تاریخ عبرت آموزی و تمدن سازی و هویت یابی بر طبق آموزه های دینی و قرآنی همچنین نقد و بررسی تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی حکومت ها می باشد به طوری که بعضی مورخین اسلامی با اینکه در دوران خلفا زندگی می کردند اما خلفا و دولت های زمان خویش را نقد نموده اند در حالی که اهداف مورخین غربی از روایت تاریخ کسب دانش درباره گذشته، ترویج ناسیونالیسم و افتخارات انسانی می باشد و بدین صورت مورخین اسلامی بر مورخین غربی در اهداف روایت تاریخ برتری دارند زیرا هدف مورخین اسلامی عبرت آموزی و هویت یابی برای نسل های آینده براساس آموزه های دینی است. روش مورخین اسلامی نیز بر مورخین غربی برتری دارد زیرا مورخین اسلامی مانند مورخین غربی اعتقاد ندارند که تاریخ را فاتحان یا حاکمان می نویسند و این را در عمل بسیاری از مورخین اسلامی اثبات نموده اند و حکماء و دولت های دوران خویش را نقد و بررسی کرده اند برتری دیگر مورخین اسلامی اهمیت دادن آنان به راویان و سند روایات و اسناد تاریخی است زیرا نگارش تاریخ اولین بار در میان مورخین اسلامی توسط محدثین روایات پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) پایه گذاری شده است. در نتیجه مورخین اسلامی به سند و راوی و علم درایه و رجال در تاریخ اهمیت فراوانی داده اند کارکردهای تاریخ برای مورخین اسلامی در اموری مانند عبرت آموزی، جنبه عملی اخلاق، هویت یابی می باشد و برای مورخین غربی در مواردی مانند ناسیونالیسم، تمدن سازی و اختراعات و اکتشافات علمی و صنعت کاربرد دارد مورخین اسلامی به تاریخ به عنوان یک مقوله

فرهنگی و معنوی بیشتر توجه می‌کنند در حالی که مورخین غربی بیشتر آن را یک مقوله مادی می‌دانند که این نشان از برتری مورخین اسلامی نسبت به مورخین غربی در حیطه کاربرد تاریخ دارد زیرا در اصل تاریخ یک موضوع فرهنگی معنوی است و دیدگاه مورخین اسلامی نسبت به کارکرد تاریخ صحیح‌تر می‌باشد.

نتیجه

تاریخ علمی زنده و حساس بوده که تمام نسل‌ها را در بر می‌گیرد از زمانی که هردوت شروع به نوشتن تاریخ کرد تا امروز به صورت‌های مختلفی در خدمت انسان بوده است تاریخ در هر برهه زمانی یک شکل تعریف شده است و برای آن کارکردهای متفاوتی در نظر گرفته‌اند به نظر می‌رسد مورخین با توجه به شرایط موجود برای تاریخ نظریه‌هایی ارائه نموده‌اند به خصوص مورخین غربی که تابع شرایط سیاسی دوران حکومت‌های مهم عصر خویش بوده‌اند اما مورخین اسلامی از شرایط سیاسی دوران خویش تأثیر زیادی نیز پذیرفته‌اند و در اکثر موارد به نقد دولت‌ها و حکام زمان خویش پرداخته‌اند که این موجب برتری مورخین اسلامی بر مورخین غربی شده است تاریخ در هر زمان نیاز به نوعی داده و مطلب داشته است که با توجه به شرایط اوضاع احوالشان مثلاً گاهی تاریخ را داستان اساطیری می‌دانند گاهی آن را حوادث و واقعیت‌های تاریخ می‌دانند که اتفاق می‌افتد گاهی آن را در بردارنده مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی می‌دانند به همین دلیل است که در هر تعریف خاصی خود را داشته است مورخین اسلامی آن را برای پند آموزی و عبرت‌گیری و هویت‌یابی تعریف می‌کنند و بیشتر به آن کارکرد معنوی و فرهنگی می‌دهند در صورتیکه مورخین غربی تاریخ را در جهت اکتشافات و اختراعات علمی و صنعتی و تمدن‌سازی و بیشتر کارکردهای مادی تعریف می‌کنند امروزه دایره علم تاریخ فوق‌العاده گسترش پیدا کرده است به همین دلیل هر مکتبی تاریخ را براساس نیاز خویش تفسیر نموده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آژند، یعقوب، (۱۳۶۱) تاریخ نگاری در اسلام، تهران، نشر گستر.
- ۲- ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۳۵۴) مقدمه‌ای بر تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ۳- ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۳۵۷) کلیات عقاید ابن خلدون درباره فلسفه تاریخ تمدن، به کوشش عبد الرحمان رادمنش، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴- الیاده میرچا، (۱۳۵۶)، مقدمه ای بر فلسفه از تاریخ، ترجمه بهمن سرکاراتی، تبریز، نیما.
- ۵- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسن، (۱۳۷۰)، تاریخ بیهقی، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، کتابخانه سنائی، جلد اول.
- ۶- بناکتی، فخرالدین، (۱۳۸۴) تاریخ بناکتی، به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی.
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۴) تاریخ در ترازو، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۸- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۵)، تاریخ الرسل و الملوك (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، جلد دوم.
- ۹- عماد زاده، حسین، (۱۳۷۳)، تاریخ انبیاء، تهران، انتشارات اسلام.
- ۱۰- کار، ادوارد هلیت، (۱۳۶۲)، تاریخ چیست، ترجمه حسین کامشاد، تهران، سهامی خوارزمی.
- ۱۱- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۶۵)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی.
- ۱۲- مسکویه رازی، ابوعلی، (۱۳۶۶)، تجارب الامم، ترجمه محمد فضائلی، تهران، موسسه انتشارات زرین.
- ۱۳- مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴)، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگه، جلد اول.
- ۱۴- والش اچ، دبلیو، (۱۳۶۳)، مقدمه ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۵- وارینگتن، مارنی هیوز، (۱۳۸۶)، پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ترجمه محمدرضا بدیعی، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۶- هگل، ویلیام فردریش گنورک، (۱۳۶۰)، عقل در تاریخ، ترجمه محمد عنایت، تهران، انتشارات علمی دانشگاهی صنعتی.
- ۱۷- یاسپرس، کارل، (۱۳۶۳)، آغاز و انجام تاریخ، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.